

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۰۴/۲۳

تاریخ بررسی مقاله: ۸۹/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۲/۱۸

مجله دست آوردهای روان‌شناختی

(علوم تربیتی و روان‌شناسی)

دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۹۰

دوره‌ی چهارم، سال ۱۸-۳، شماره‌ی ۱

صص: ۱-۱۸

## تدوین و آزمون مدل ارتباط بین شخصیت، نیازهای روانی و بهزیستی روان‌شناختی

حمزه احمدیان\*

فرهاد جمهری\*\*

حسن احدی\*\*\*

نورعلی فرخی\*\*\*\*

### چکیده

این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و ارضای نیازهای روانی بنیادین با بهزیستی روانشناختی انجام شد. به این منظور ۳۸۲ نفر (۱۸۹ پسر و ۱۹۳ دختر) دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجندج با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - چندمرحله‌ای انتخاب شد. آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌ی پنج عامل بزرگ شخصیت (IPIP)، نیازهای روانی بنیادین (BPNS) و بهزیستی روانشناختی (SPWB) پاسخ دادند. از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی اعتبار ابزارهای اندازه‌گیری استفاده شد. با استفاده از مدل معادلات ساختاری اثرهای پنج عامل شخصیت بر بهزیستی روانشناختی از طریق متغیرهای میانجی «نیازهای روانی بنیادین» بررسی شد. یافته‌ها نشان دادند که به طور کلی مدل فرضی با داده‌ها برازش دارد. تأثیر برون‌گرایی بر ارتباط با دیگران، دلبپذیر بودن، خودمختاری و شایستگی معنی‌دار بود. نتیجه‌های دیگر نشان داد که ثبات هیجانی، وظیفه‌شناسی و انعطاف‌پذیری بر

---

\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

Hamzeh\_ahmadian@yahoo.com

\*\* استادیار، دانشگاه علامه طباطبایی

\*\*\* استاد، دانشگاه علامه طباطبایی

\*\*\*\* استادیار، دانشگاه علامه طباطبایی

شایستگی اثر مثبت دارند. علاوه بر این تأثیر خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران بر بهزیستی روانشناختی معنی‌دار بود. اثر مستقیم پنج عامل بزرگ شخصیت بر بهزیستی روانشناختی تأیید نشد، اما اثر غیرمستقیم آنها و از طریق ارضای نیازهای روانی تأیید شد.

**کلید واژگان:** پنج عامل بزرگ شخصیت، نیازهای روانی بنیادین، بهزیستی روانشناختی.

### مقدمه

در مقابل تمرکز و توجه سنتی که علم روان‌شناسی به آسیب‌شناسی داشته است، امروزه به نظر می‌رسد که یک پارادایم جدید در علوم وابسته به سلامت به طور اعم و در روان‌شناسی بطور اخص در حال ظهور می‌باشد. در این پارادایم تمرکز بر روی سلامتی و بهزیستی و نیز توضیح و تبیین ماهیت روانشناختی بهزیستی است (ریف و سینگر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ ویسینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). همچنین بر طبق تعریفی که سازمان بهداشت جهانی<sup>۳</sup> (WHO) از سلامت ارائه داده است: سلامت حالت خوب بودن کامل، از نظر جسمی، روانی و اجتماعی و نه تنها نبود بیماری و ناتوانی جسمانی می‌باشد. بر طبق مدل ریف بهزیستی روانی<sup>۴</sup> شامل شش مؤلفه می‌باشد که عبارتند از: خویشتن‌پذیری<sup>۵</sup>، تسلط بر محیط<sup>۶</sup>، روابط مثبت با دیگران<sup>۷</sup>، رشد و بالندگی فردی<sup>۸</sup>، هدف در زندگی<sup>۹</sup> و خودمختاری<sup>۱۰</sup>. مشخص کردن عامل‌هایی که باعث افزایش سلامت روان و بهزیستی روانشناختی می‌شود یکی از موضوع‌های مورد علاقه‌ی تحقیق‌های روانشناختی امروز می‌باشد. در میان عامل‌هایی که بر بهزیستی روانشناختی تأثیر دارد، روی شخصیت و میزان ارضای نیازها تأکید زیادی شده است.

یکی از نظریه‌های شخصیت که از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد در رویکرد صفات مطرح شده

- 1- Ryff & Singer
- 2- Wissing.
- 3- World Health Organization
- 4- Psychological well- being
- 5- Self-acceptance
- 6- Environmental mastery
- 7- Positive relation with others
- 8- Personal growth
- 9- Purpose in life
- 10- Autonomy

است، مدل پنج‌عاملی<sup>۱</sup> است که بر وجود پنج عامل اصلی در شخصیت تأکید دارد. این عامل‌ها عبارتند از برونگرایی<sup>۲</sup>، ثبات هیجانی<sup>۳</sup> (روان‌نژندی<sup>۴</sup>)، دلبذیر بودن<sup>۵</sup>، وظیفه‌شناسی<sup>۶</sup> و انعطاف‌پذیری<sup>۷</sup>، که هر کدام از این بُعدها دارای ۶ رویه است (گلدبرگ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۳).

از نظریه‌های جدید در زمینه‌ی خودنظم‌بخشی<sup>۹</sup>، نظریه خودتعیین‌گری<sup>۱۰</sup> (SDT) می‌باشد که توسط دسی و رایان<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۵) ارائه شده است. این نظریه اذعان می‌دارد که انسان‌ها یا به خاطر انگیزش درونی و یا به خاطر انگیزش بیرونی<sup>۱۲</sup> برانگیخته می‌شوند. انگیزش درونی به انجام عملی به خاطر لذت یا علاقه‌ی درونی به چیزی و انگیزش بیرونی به انجام عملی به خاطر پیامدهای بیرونی تعریف می‌شود. بر اساس این دیدگاه انگیزش درونی در پی ارضای سه نیاز روانی بنیادین شامل خودمختاری<sup>۱۳</sup>، شایستگی<sup>۱۴</sup> و ارتباط<sup>۱۵</sup> با دیگران، می‌باشد (رایان و دسی، ۲۰۰۰).

از لحاظ نظری منطقی به نظر می‌رسد که افراد با ثبات هیجانی بالا، اضطراب کمتر، منعطف، سازگار، و دارای روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری، سلامت روانی بیشتری داشته باشند. علاوه بر این بعضی از افراد به خاطر ویژگی‌های شخصیتی که دارند مثل برونگراتر بودن، انعطاف‌پذیر بودن و سازگاری با محیط و دیگران، بیشتر بتوانند نیازهای روانی خود مانند نیاز به ارتباط و شایستگی را برآورده کنند. همچنین افرادی که احساس شایستگی می‌کنند، با دیگران روابط گرمی دارند و در عین حال احساس استقلال و خودمختاری می‌کنند، از

- 
- 1- Five – factor model
  - 2- Extraversion
  - 3- Emotional stability
  - 4- Neuroticism
  - 5- Agreeableness
  - 6- Conscientiousness
  7. Openness to experience
  - 8- Goldberg
  - 9- Self- regulation
  - 10- Self- determination theory
  - 11- Ryan & Deci
  - 12- Extrinsic Motivation
  - 13- Autonomy
  - 14- Competence
  - 15- Relatedness

بهزیستی روانشناختی بیشتری برخوردار باشند. بر اساس نظر مازلو افرادی که بیشتر نیازهای آنها ارضا می‌شود دارای سلامت جسمانی و هیجانی بیشتری هستند (شولتز و شولتز، ۱۹۹۸؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۱). همچنین بر طبق نظریه خودتعیین‌گری، بهزیستی روانی به میزان ارضای نیازهای روانی بنیادین بستگی دارد (رایان و دسی، ۲۰۰۲).

علاوه بر این مدل پنج عاملی شخصیت یک مدل وسیع است که شامل صفات بسیار زیادی از شخصیت است که ادعا می‌شود کل شخصیت را در بر می‌گیرد. اگر این ادعا درست باشد، منطقی به نظر می‌رسد که هر آزمون شخصیتی که ساخته می‌شود با این مدل همبستگی و همپوشی داشته باشد (کارور و شییر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲).

همچنین از آنجایی که تفاوت‌های فردی در ویژگی‌های جسمانی (مثلاً داشتن سیستم گوارشی و آنزیم‌های لازم) باعث می‌شود در بعضی از افراد نیازهای فیزیولوژیکی (مثلاً هضم بهتر غذا و تأمین انرژی) بهتر برآورده شود و در نتیجه سلامت جسمانی بهتری داشته باشند، در زمینه‌ی مسایل روانی نیز تفاوت‌های فردی در ابعاد شخصیتی (مثلاً میزان برونگرایی) می‌تواند باعث شود در بعضی از افراد - به دلیل داشتن ویژگی‌های سازگارتر با محیط - نیازهای روانی (مثلاً میزان ارتباط) بیشتر برآورده شود و در نتیجه سلامت و بهزیستی روانی بهتری داشته باشند.

تحقیقات زیادی در زمینه‌ی ارتباط دو به دوی این مؤلفه‌ها انجام شده است. به عنوان مثال بر اساس تحقیقات کرید و اوانز<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، چان و جوزف<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، هایس و جوزف<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، اسپانگلر و پالرکا<sup>۵</sup> (۲۰۰۴)، اسویکرت، بیتنر، کیتوس و کوکس - فانزالیید<sup>۶</sup> (۲۰۰۴)، وان دن برگ و پیتاریو<sup>۷</sup> (۲۰۰۵)، گاتیرز، جیمenez، هراندز و پونته<sup>۸</sup> (۲۰۰۵) و لیبران<sup>۹</sup> (۲۰۰۶) بین شخصیت و بهزیستی رابطه وجود دارد. همچنین بر اساس تحقیق باتیا<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷)، بریک و

- 
- 1- Carver & Scheier
  - 2- Creed & Evans
  - 3- Chan & Josef
  - 4- Hayes & Josef
  - 5- Spangler & Palrecha
  - 6- Swickert, Hittner, Kitoz, & Cox-fuenzalida
  - 7- Van den berg & pitariu
  - 8- Gutierrez, Jimenez, Hernandez, & Puente
  - 9- Libran
  - 10- Batia

مانت<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) و انگلدو، مارکلند و شپرد<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) بین پنج عامل بزرگ شخصیت و میزان ارضای نیازهای روانی رابطه وجود دارد. علاوه بر این بر اساس تحقیقات چینگ چو<sup>۳</sup> (۲۰۰۶)، جنگینز<sup>۴</sup> (۲۰۰۵)، بین میزان ارضای نیازهای روانی با بهزیستی رابطه وجود دارد. همان طور که ملاحظه شد هیچکدام از تحقیق‌ها ارتباط بین پنج عامل شخصیت و بهزیستی روانی با در نظر گرفتن متغیرهای واسطه‌ای «نیازهای روانی» را مورد بررسی قرار نداده‌اند. با توجه به پیشینه نظری و تجربی مطرح شده این مطالعه در پی آن است که مدلی برای ارتباط بین پنج عامل بزرگ شخصیت، ارضای نیازهای روانی با بهزیستی روان‌شناختی ارائه دهد.



مدل ۱. مدل فرضی پژوهشگر در مورد روابط ساختاری میان متغیرها

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش را دانشجویان دوره‌ی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل داد. از میان این دانشجویان ۳۸۲ نفر (۱۸۹ پسر و ۱۹۳ دختر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. دانشجویان از رشته‌های مختلف تحصیلی در رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه، پیراپزشکی، کشاورزی و فنی در این پژوهش شرکت کردند. میانگین سنی دانشجویان ۲۲/۸ با انحراف معیار ۲/۲۵ بود.

- 
- 1- Barrick & Mount
  - 2- Ingledew, Markland & Sheppard
  - 3- Ching chu
  - 4- Jenkins

## ابزارهای اندازه‌گیری

**پنج عامل بزرگ شخصیت (IPIP):** برای سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت از فرم کوتاه آزمون گلدبرگ (۱۹۹۶) که متشکل از ۵۰ سؤال و در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت ساخته شده است استفاده شد. این پرسشنامه از نوع خودگزارشی است که پنج بُعد شخصیت را می‌سنجد. ارزیابی‌های پایایی برای نمره‌های عامل‌ها از طریق جمع‌بندی غیر وزنی نمره‌های مقیاس بین ۰/۸۴ و ۰/۸۹ پراکنده است (دیگمن و تاکا موتوچوک، ۱۹۸۱). در پژوهش حاضر ضرایب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه و ضرایب محاسبه شده برای برونگرایی، دلپذیر بودن، وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی و انعطاف‌پذیری به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۵۶، ۰/۷۴، ۰/۸۵ و ۰/۶۸ به دست آمد. همچنین همبستگی بین سؤال‌ها برای بررسی میزان ثبات درونی این آزمون نشان می‌دهد که این آزمون از اعتبار مناسبی برخوردار است (کورتز و پاریش، ۲۰۰۱). در تحقیقی که توسط گونول و چرنیشنکول (۲۰۰۵) برای بررسی اعتبار آزمون شخصیتی گلدبرگ انجام شد، نتیجه‌ها نشان داد که بین این آزمون و آزمون شخصیتی مک کری و کاستا (NEO-FFI) همبستگی بالایی وجود دارد.

**مقیاس ارضای نیاز (BPNS):** برای سنجش نیازهای روانی از آزمون ارضای نیازهای بنیادین که توسط گاردیا، دسی و رایان (۲۰۰۰) ساخته شده است، استفاده شد. این مقیاس دارای ۲۱ سؤال می‌باشد که بر اساس مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی شده است. این پرسشنامه از نوع خودگزارشی است که میزان حمایت از نیازهای بنیادین روانشناختی را می‌سنجد. ضریب پایایی حاصل از اجرای آن روی مادر، پدر، شریک رمانتیک و دوستان به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲ و ۰/۹۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضرایب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه و ضرایب محاسبه شده برای خودمختاری، شایستگی و ارتباط به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۶۰ و ۰/۶۱ به دست آمد. در تحقیقی که توسط لیون (۱۹۹۵) انجام شد، نتیجه‌ها نشان داد که بین میزان ارضای نیازهای روانی با رضایت و سازگاری شغلی رابطه معنی‌داری وجود دارد که این حاکی از اعتبار بالای مقیاس ارضای نیاز است (به نقل از بارد، دسی و رایان، ۲۰۰۴).

**مقیاس بهزیستی روانشناختی (SPWB):** برای سنجش بهزیستی روانشناختی، از مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۹۴) که متشکل از ۸۴ سؤال و در مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت

ساخته شده است، استفاده شد. این پرسشنامه از نوع خودگزارشی است که شش مؤلفه بهزیستی را می‌سنجد. ضرایب همسانی درونی برای مؤلفه‌های این پرسشنامه از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ به دست آمده است. در پژوهش حاضر ضرایب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه و ضرایب محاسبه شده برای خود پیروی، تسلط بر محیط، رشد و بالندگی فردی، روابط با دیگران، هدف در زندگی و خویش‌نپذیری به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۱، ۰/۷۱، ۰/۷۶، ۰/۸۰ و ۰/۸۱ به دست آمد. در تحقیقی که توسط کافکا و کوزما (۲۰۰۲) به منظور بررسی اعتبار سازه مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف انجام شد، یافته‌ها نشان داد که بین این مقیاس و مقیاس بهزیستی ذهنی (SWB) و مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) همبستگی بالایی وجود دارد.

### تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی ابزارهای اندازه‌گیری

قبل از انجام تحلیل عاملی برای بررسی کفایت نمونه‌گیری از آزمون KMO و برای اطمینان از اینکه ماتریس همبستگی که پایه تحلیل عاملی قرار می‌گیرد در جامعه برابر صفر نیست از آزمون کرویت بارتلت استفاده شد. نتیجه‌ی این دو آزمون در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتیجه‌ی آزمون KMO و کرویت بارتلت برای ابزارهای اندازه‌گیری

شاخص‌ها ابزارها	آزمون KMO	آزمون کرئیت بارتلت		
		مجذور خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
پنج عامل شخصیت	۰/۶۷۵	۷۷۲۶/۲۸۸	۱۲۲۵	۰/۰۰۰
نیازهای روانی بنیادین	۰/۷۵۷	۱۹۲۴/۷۵۷	۱۹۰	۰/۰۰۰
بهزیستی روان‌شناختی	۰/۷۴۲	۲۱۰۷۱/۵۷۶	۳۴۸۶	۰/۰۰۰

در آزمون KMO هر چه قدر به ۱ نزدیک‌تر باشد نشان دهنده‌ی کفایت نمونه‌گیری است و حداقل مقدار قابل قبول ۰/۶۰ است. همچنین در آزمون کرویت بارتلت حداقل سطح قابل قبول ۰/۰۵ می‌باشد (بریس، کمپ و سنگلار، ۲۰۰۰؛ ترجمه علی‌آبادی و صمدی، ۱۳۸۴). همچنان که نتیجه‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، نمونه‌گیری از کفایت لازم برخوردار است و

داده‌ها از توانایی عاملی شدن خوبی برخوردار هستند. بنابراین می‌توان سایر شاخص‌های تحلیل عاملی را انجام داد.

**الف) تحلیل عاملی اکتشافی:** جهت انتخاب نشانگرهای ابزار (گویه‌ها) تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس به صورت جداگانه در مورد هر یک از ابزارها اجرا شد. در مورد پرسشنامه‌ی **IPIP** نتیجه‌ها نشان داد که ۱۷ عامل دارای ارزش ویژه‌ی بالاتر از ۱ هستند، اما بررسی دقیق‌تر به ویژه بررسی نمودار اسکری کتل نشان داد که پنج عامل اصلی بخش عمده‌ی واریانس را تبیین می‌کنند که شامل: برونگرایی، دلدیر بودن، وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی و انعطاف‌پذیری می‌باشند. برای هر عامل، گویه‌های مناسب که روی آن عامل بار عاملی بالا داشتند ولی بار عاملی آنها روی سایر عامل‌ها بالا نبود انتخاب شدند. تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه‌ی **BPNS** نشان داد که ۶ عامل ارزش ویژه بالاتر از یک داشتند، اما بررسی‌های بیشتر نشان داد که سه عامل تبیین‌کننده‌ی قسمت اعظم واریانس می‌باشند. این عامل‌ها خودمختاری، شایستگی و ارتباط نام‌گذاری شدند. همچنین تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه **SPWB** نشان داد که ۲۵ عامل ارزش ویژه بالاتر از یک داشتند، اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد که اکثر سؤال‌ها حتی بعد از چرخش بر روی عامل اول بار دارند و در کل قسمت اعظم واریانس توسط یک عامل تبیین می‌شود. این عامل بهزیستی روانشناختی کلی نام‌گذاری شد. لازم به ذکر است از آنجایی که مؤلفه خودمختاری و ارتباط با دو مؤلفه پرسشنامه بهزیستی روانشناختی (خودپیروی و روابط با دیگران) تشابه اسمی دارد، برای این مؤلفه تحلیل عاملی اکتشافی جداگانه‌ای گرفته شد، اما نتیجه‌ها نشان داد که این مؤلفه‌ها، عامل‌های متفاوتی هستند. تحلیل‌های اکتشافی با استفاده از نرم‌افزار **SPSS17** انجام شد.

**ب) تحلیل عاملی تأییدی:** برای بررسی اعتبار مدل اندازه‌گیری، تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار **LISREL 8.54** بر روی هر یک از ابزارها انجام شد. به این صورت که برای پرسشنامه‌ی **(IPIP)** از هر یک از پنج عاملی که از تحلیل عاملی اکتشافی به دست آمده بود سه گویه و در مجموع برای این ابزار ۱۵ گویه برای تحلیل تأییدی انتخاب شدند. لازم به ذکر است که انتخاب ۳ تا ۶ گویه برای هر متغیر نهفته برای مقاصد پژوهش حاضر مناسب به نظر می‌رسد زیرا کمتر از این تعداد ممکن است برآورد نتیجه‌ها را با اشکال مواجه کند و گنجاندن تعداد زیادی



نشانگر در مدل برازش مدل را تضعیف می‌کند (مارویاما، ۱۹۹۸). نتیجه‌های تحلیل عاملی تأییدی برای این ابزار حاکی از برازش مدل بود. برای بررسی اعتبار مدل اندازه‌گیری نیازهای روانی (BPNS) نیز به همین ترتیب عمل شد. در این قسمت تحلیل اکتشافی ۱۴ گویه را در ۳ عامل نشان داد که از هر عامل سه گویه و در کل ۹ گویه برای تحلیل تأییدی انتخاب شد. سایر گویه‌ها در چند عامل بار بالا داشتند و برای مقاصد پژوهش حاضر مفید نبودند. تحلیل عاملی تأییدی برای این پرسشنامه حاکی از برازش مدل بود. همچنین برای بررسی اعتبار مدل اندازه‌گیری بهزیستی روان‌شناختی (SPWB) که تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد ۴۷ سؤال بر روی عامل اول بار بالایی دارند و این سؤالات مربوط به هر شش مؤلفه بهزیستی روان‌شناختی بود. بنابراین برای هر مؤلفه سه سؤال با هم تجمیع و میانگین آنها محاسبه شد و در کل شش نشانگر برای تحلیل عاملی تأییدی انتخاب شد. پس از این مرحله تحلیل تأییدی بر روی مدل اجرا شد و نتیجه‌ها حاکی از برازش مدل بود. شاخص‌های نیکویی برازش همگی معنی‌دار بودند. شاخص‌های نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری برای پنج عامل شخصیت، ارضای نیازهای روانی و بهزیستی روان‌شناختی به تفکیک در جدول ۲ ارایه شده‌اند.

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری برای شخصیت، نیازها و بهزیستی

IFI	NFI	AGFI	RSMEA	P	$\chi^2$	df	شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری
۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۹۲	۰/۰۵۱	۰/۰۰۰	۸۱/۱۵۹	۸۰	مدل ۱- IPIP با پنج متغیر نهان
۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۰۳۴۵	۰/۰۳۹	۳۸/۰۱	۲۴	مدل ۲- BPNS با سه متغیر نهان
۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۰۴	۰/۰۰۰	۳۲۶/۶	۱۲۱	مدل ۳- بایک متغیر نهان

بررسی شاخص‌های نیکویی برازش مدل در جدول ۲ نشان می‌دهد که مقادیر خوبی دو با توجه به درجه‌های آزادی معنی‌دار هستند. اما از آنجا که در بررسی برازش مدل، شاخص خوبی دو دقت بالایی ندارد باید از شاخص‌های دیگر نیز کمک گرفت (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۱). ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب (RSMEA) برای مدل ۱، ۲ و ۳ به ترتیب ۰/۰۵۱ و ۰/۰۳۹ و ۰/۰۴

است. این شاخص برای مدل‌های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل‌های ضعیف بزرگ‌تر از ۰/۱۰ است (هومن، ۱۳۸۴) و بنابراین برای مدل حاضر قابل قبول است. شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI) برای مدل ۱، ۲ و ۳ به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۶ و ۰/۹۱، شاخص نرم شده‌ی برازندگی (NFI) به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۹۷ و ۰/۹۰ و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۹ و ۰/۹۳ است. این شاخص‌ها برای مدل‌های خوب ۰/۹۰ یا بالاتر است.

## نتایج

داده‌های این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار LISREL 8.54 و کمک پردازشگر PRELIS تجزیه و تحلیل شد. به همین منظور ابتدا داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS وارد محیط PRELIS شد. به خاطر اینکه نوع متغیرها در این نرم‌افزار به صورت پیش‌فرض، رتبه‌ای تعریف شده است، بر اساس متغیرهای تحقیق، به پیوسته تغییر داده شد و سپس ماتریس کوواریانس داده‌ها جهت برآورد مدل و نیز شاخص‌های توصیفی داده‌ها محاسبه شد.

پس از این مرحله، پارامترهای مدل بر اساس مدل نظری پژوهشگر آزاد، ثابت و یا محدود نگه داشته شدند. همان طور که در نمودار مسیر ملاحظه می‌شود، نشانگرهای متغیرهای نهفته‌ی مستقل ۱۵ مورد، متغیرهای وابسته ۱۵ مورد و در مجموع ۳۰ نشانگر در مدل به کار رفته است. تعداد متغیرهای نهفته‌ی مستقل (ξ) پنج مورد و متغیرهای نهفته‌ی وابسته (η) چهار مورد است و در مجموع مدل دارای ۹ متغیر نهفته‌ی می‌باشد. متغیرهای نهفته‌ی وابسته (η) شامل خودمختاری (η<sub>۱</sub>)، شایستگی (η<sub>۲</sub>)، ارتباط با دیگران (η<sub>۳</sub>) و بهزیستی روانشناختی (η<sub>۴</sub>) می‌باشند. متغیرهای نهفته‌ی مستقل (ξ) شامل برونگرایی (ξ<sub>۱</sub>)، دلپذیر بودن (ξ<sub>۲</sub>)، وظیفه‌شناسی (ξ<sub>۳</sub>)، ثبات هیجانی (ξ<sub>۴</sub>) و انعطاف‌پذیری (ξ<sub>۵</sub>) می‌باشند. نوع برآورد، در این تحقیق از طریق روش بیشینه‌ی احتمال (ML) می‌باشد. در نمونه‌های با حجم مناسب اغلب روش‌های برآورد، نتیجه‌های یکسانی به بار می‌آورند (هومن، ۱۳۸۴).

شاخص‌های نیکویی برازش کلی مدل نشان از برازش خوب مدل نظری با داده‌های تحقیق دارند. کمیت خی‌دو ( $\chi^2=662/46$ ) با درجه آزادی (df=378) حاکی از معنی‌داری مدل است. معیارهای RSMEA، AGFI، NFI و IFI به ترتیب ۰/۰۴۱، ۰/۸۹، ۰/۹۴، ۰/۹۷ می‌باشند که

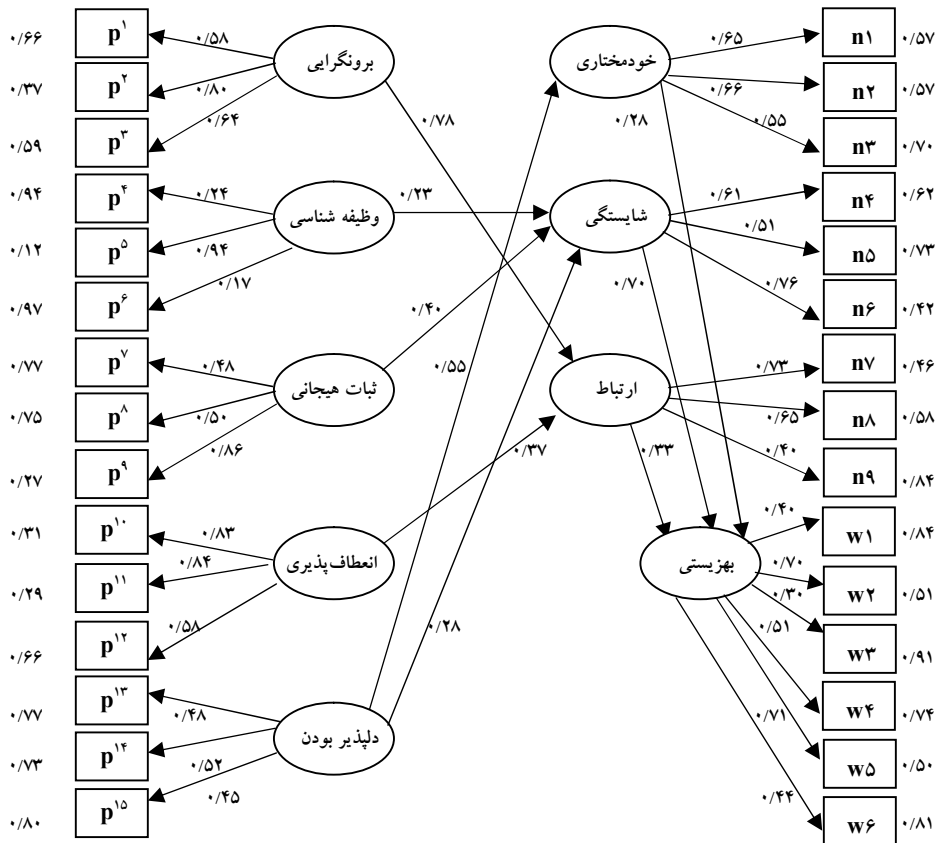
همگی حاکی از برازش مطلوب مدل با داده‌هاست.

بررسی ضرایب مسیر و مقادیر استاندارد شده‌ی آنها و همچنین کمیت‌های  $t$  مربوط به آنها (جدول ۳) نشان داد که اثر مستقیم پنج عامل شخصیت بر بهزیستی روان‌شناختی معنی‌دار نیست و بنابراین مسیرهای مذکور از مدل حذف شد. لازم به ذکر است که کمیت‌های  $t$  برابر با  $1/96$  و بالاتر معنی‌دار هستند و مقادیر کمتر از آن معنی‌دار نیستند. ضرایب مسیر استاندارد شده و استاندارد نشده و همچنین کمیت‌های  $t$  مربوط به آنها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. برآوردها و مشخصات کلی مدل

مسیرها	برآوردهای غیراستاندارد	برآوردهای استاندارد	کمیت‌های $t$
$\beta_{41}$	۰/۵۶	۰/۲۸	۴/۲۶
$\beta_{42}$	۱/۸۰	۰/۷۰	۸/۶۷
$\beta_{43}$	۰/۴۷	۰/۳۳	۶/۰۹
$\gamma_{31}$	۲/۰۱	۰/۷۸	۸/۷۷
$\gamma_{12}$	۱/۳۵	۰/۵۵	۵/۱۵
$\gamma_{22}$	۰/۷۲	۰/۳۷	۳/۵۶
$\gamma_{23}$	۰/۷۸	۰/۲۳	۲/۹۳
$\gamma_{24}$	۰/۵۶	۰/۴۰	۴/۸۳
$\gamma_{35}$	۰/۳۹	۰/۲۸	۵/۰۰

بررسی ضرایب گاما نشان می‌دهد که برونگرایی (۰/۷۸) و انعطاف‌پذیری (۰/۲۸) اثر مثبتی در نیاز به "ارتباط با دیگران" دارند. همچنین دلپذیر بودن (۰/۵۵) بر نیاز به "خودمختاری" اثر مثبتی دارد. علاوه بر این دلپذیر بودن (۰/۳۷)، وظیفه‌شناسی (۰/۲۳) و ثبات هیجانی (۰/۴۰) اثر مثبتی بر نیاز به "شایستگی" دارند. متغیرهای نهفته‌ی میانی شامل خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران همگی بر بهزیستی روان‌شناختی اثر مثبتی اعمال می‌کند (به ترتیب ۰/۲۸، ۰/۷۰ و ۰/۳۳)، بدین معنا که هر چه قدر نیازهای روانی بنیادین ارضا شوند بهزیستی روان‌شناختی فرد بیشتر خواهد بود. در مدل ۲ ارتباط بین متغیرهای نهان برونزاد و درونزاد به همراه ضرایب استاندارد ارائه شده است.



مدل ۲. مدل نهایی پس از برازش مدل نظری با داده‌ها به همراه ضرایب مسیر استاندارد شده

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در دو بخش انجام شد. در بخش اول اعتبار مدل‌های اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه‌ها نشان داد که هر سه مدل اندازه‌گیری دارای اعتبار کافی برای انجام پژوهش هستند. در قسمت دوم و اصلی پژوهش برازش کل مدل مورد بررسی قرار گرفت.

شاخص‌های نیکویی برازش کلی مدل نشان داد که به طور کلی مدل با داده‌ها برازش دارد و مدل نظری با داده‌های واقعی تطبیق می‌کند. به عبارت دیگر فرضیه پژوهشگر که در قالب یک مدل

نظری ارایه شد، در مجموع با داده‌های به دست آمده از نمونه مطابقت داشت و می‌توان گفت که مدل تأیید شده است. البته باید در نظر داشت که ممکن است مدل یا مدل‌های دیگری نیز وجود داشته باشند که حتی بهتر از مدل حاضر با داده‌ها مطابقت کنند، اما این امر که کدام مدل‌ها مورد بررسی قرار گیرند بستگی به خواست و فرض پژوهشگر دارد. تحلیل روابط ساختاری نشان می‌دهد که عوامل شخصیتی می‌توانند به طور مستقیم بر میزان ارضای نیازهای روانی اثر بگذارند. این یافته با تحقیقات قبلی از جمله تحقیق باتیا<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، بریک و مانت<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) و انگلدو، مارکلند و شپرد<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) مطابقت می‌کند. همچنین این نتیجه تأییدی است بر این ادعای الگوی پنج عاملی که این الگو یک مدل وسیع است و شامل صفات زیادی می‌باشد و هر پرسشنامه شخصیتی که ساخته می‌شود باید با این عامل‌ها همبستگی داشته باشند (کارور و شیپر، ۱۹۹۲).

افراد برون‌گرا به خاطر فعال بودن و داشتن انرژی زیاد ترجیح می‌دهند در جاهای شلوغ و مهمانی‌ها باشند. بنابراین اینکه در نیاز به ارتباط نمره‌ی بالاتری بگیرند منطقی است. همچنین افراد وظیفه‌شناس توانایی زیادی در کنترل تکانه‌ها و بکارگیری طرح و برنامه در رفتار خود دارند، با توجه به این ویژگی‌ها معمولاً افراد وظیفه‌شناس چون کارهای خود را به نحو احسن و به موقع انجام می‌دهند احساس شایستگی بیشتری می‌کنند. افراد دارای ثبات هیجانی بالا (نوروتیسم پایین) قدرت خیلی زیادی در کنترل تکانه‌های خود دارند که این باعث می‌شود احساس شایستگی بیشتری داشته باشند. افرادی که نمره‌ی دلپذیری در آنها بالا است معمولاً دید مثبتی به ماهیت انسان دارند و اساساً نوع دوست هستند. این افراد با دیگران همدردی می‌کنند و مشتاق کمک به آنان می‌باشد، با توجه به اینکه این افراد بدون چشم‌داشت به دیگران کمک می‌کنند و در کمک‌های آنها چاپلوسی و ریا دیده نمی‌شود، بنابراین منطقی است که انتظار داشته باشیم این افراد احساس خودمختاری در رفتارهایشان داشته باشند. همچنین افراد منعطف بسیار کنجکاو، خلاق و مبتکر هستند (حق‌شناس، ۱۳۸۵)، این ویژگی‌ها باعث می‌شود رفتارهایی را انجام دهند که به احساس شایستگی آنها کمک کند.

همچنین تحلیل روابط ساختاری نشان می‌دهد که ارضای نیازهای روانی بنیادین می‌توانند به

---

1- Batia

2- Barrick & Mount

3- Ingledew, Markland & Sheppard

طور مستقیم بر میزان بهزیستی روان‌شناختی اثر بگذارند این نتیجه‌ها، با نتیجه‌های تحقیقاتی که توسط شلدون و بتنکارت (۲۰۰۲) و مایر و همکاران (۲۰۰۷) انجام شده است، همخوانی دارد. البته اکثر تحقیقاتی که در زمینه‌ی ارتباط بین ارضای نیازهای روانی و بهزیستی انجام شده است، بیشتر به بررسی ارتباط این نیازها با بهزیستی ذهنی پرداخته‌اند. بر اساس ادعای نظریه خودتعیین‌گری (SDT) هنگامی که نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط به طور شایسته‌ای ارضا شوند، نتیجه‌ی آن بهزیستی و رشد مناسب خواهد بود. و اگر به هر دلیلی این نیازها ارضا نشوند، نتیجه آن نداشتن بهزیستی و کژسازگاری خواهد بود (ریان و دسی، ۲۰۰۲). همچنان که ملاحظه می‌کنید نتیجه‌های این تحقیق در راستای نظریه خودتعیین‌گری می‌باشد. در واقع این منطقی است که، افرادی می‌توانند توانایی و ظرفیت اداره و کنترل تقاضاهای پیچیده‌ی زندگی روزمره، وجود علقه‌ها و پیوندهای بین شخصی با کیفیت بالا، احساس تحول و پیشرفت در خود، هدف‌ها و مقاصد خاص برای زندگی، ظرفیت مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی، نگرش و ارزیابی مثبت نسبت به خود و در یک کلام بهزیستی روانی داشته باشند، که نیازهای روانی آنها به نحو صحیحی برآورده شده باشند. این سه نیاز روانی بنیادین، فطری هستند و همان طوری که انسان‌ها با نیاز به آب و غذا به دنیا می‌آیند، با نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط متولد می‌شوند. و بنابراین همانند نیازهای فیزیولوژیکی عدم برآورده کردن آنها موجب اختلال در روند زندگی می‌شود. در واقع بیماران روانی مانند افراد افسرده و مضطرب معمولاً افرادی هستند که احساس تنهایی، عدم شایستگی و فشار می‌کنند و یکی از دلایل اصلی بیمار شدن این افراد اختلال در ارضای نیازهای آنها می‌باشد. بنابراین اگر برآورده نشدن این نیازها باعث مشکلات روانی می‌شود، برآورده شدن این نیازها موجب سلامت روانی و بهزیستی می‌شود.

همچنین یافته‌های این مدل نشان داد که هیچکدام از عامل‌های شخصیتی نتوانستند به طور مستقیم بر بهزیستی اثر داشته باشند. در تبیین این نتیجه‌ها می‌توان گفت که این مدل در واقع ارتباط بین عامل‌هایی را که بیشتر جنبه‌ی زیستی دارند با عامل‌هایی که بیشتر جنبه‌ی محیطی دارند، نشان می‌دهد. بر اساس ادعای نظریه‌پردازان دیدگاه صفات، شخصیت بیشتر زیستی است، در واقع عامل‌های شخصیتی به صورت بالقوه با بهزیستی و سلامت ارتباط دارند و بنابراین نمی‌توانند به طور مستقیم و بلافاصل بر بهزیستی اثر داشته باشند، بلکه برای به بالفعل

رسیدن این ارتباط نیاز به یک محیط غنی و حمایتی دارد. بنابراین محیطی که از خودمختاری، ارتباط و شایستگی فرد حمایت کند، باعث بروز صفات مثبت شخصیت می‌شود که به نوبه‌ی خود بهزیستی را افزایش می‌دهد. شباهت این قضیه مانند ارتباط بین هوش و پیشرفت است، اگر محیط غنی و حمایتی وجود داشته باشد، هوش فرد متبلور شده و از بالقوه به بالفعل می‌رسد و نتیجه‌ی آن افزایش پیشرفت فرد خواهد بود.

### محدودیت‌ها و پیشنهادات

در این پژوهش از فرم کوتاه پرسشنامه‌ی شخصیتی گلدبرگ استفاده شد و امکان بررسی رویه‌های شخصیتی وجود نداشت، اگر فرم بلند این پرسشنامه اجرا شود می‌توان به طور دقیق‌تر ویژگی‌های شخصیتی را سنجید و ارتباط بین متغیرها روشن‌تر می‌شود.

### منابع

بریس، ان، کمپ، آر. و سنگلاز، آر. (۲۰۰۰). تحلیل داده‌های روان‌شناسی، ترجمه خدیجه علی‌آبادی و علی صمدی. تهران: دوران.

حق‌شناس، حسن (۱۳۸۵). طرح پنج‌عاملی ویژگی‌های شخصیت. شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

شولتز، دی. و شولتز، اس. دی. (۱۳۸۱). نظریه‌های شخصیت، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش.

قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۸۱). فرایند تدوین، اجرا و تفسیر ستاده‌های یک مدل لیزرل: یک مثال عینی. سالنامه‌ی پژوهش و ارزشیابی در علوم اجتماعی و رفتاری. جلد اول، ۸۱-۱۲۵.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل. تهران: سمت.

Baard, p. p., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2004). Intrinsic need satisfaction: A motivational basis of performance and well-being in two work settings. *Journal of Applied social psychology*, 34, 2045-2068.

Carver, S. C., & Scheier, F. M. (1992). Perspectives on personality. New York: Allyn and Bacon.

Chan, R., & Joseph, S. (2000). Dimensions of personality, domains of aspiration, and subjective well-being. *Personality and individual differences*, 28, 347-354.

Creed, P., & Evans, B. (2002). Personality, well being and deprivation theory. *Personality and individual differences*, 33, 1045-1054.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). Intrinsic motivation and self-determination in human behavior. New York: Plenum.

Digman, J. M., & Takemoto-Chock, N. K. (1981). Factors in the natural language of personality: Re-analysis, comparison, and interpretation of six major studies. *Multivariate Behavioral Research*, 16, 149-170

Goldberg, L. R. (1993). The Structure of Phenotypic Personality Traits. *American Psychologist*, 48 (1), 26-34.

Guenole, N., & Chernyshenko, O. S. (2005). The suitability of Goldberg's Big Five IPIP Personality markers in New Zealand: A criterion validity. *Personality and Individual Differences*, 2, 317-329.

Gutierrez, J., Jimenez Hernandez, E. B., & Puente, C. (2005). Personality and subjective well being: Big five correlates and demographic variables.

Hayas, N., & Joseph, S. (2003). Big 5 correlates of three measures of subjective well-being. *Personality and individual differences*, 34, 723-727.



- Ingledeu, D., Markland, E., & Sheppard, E. (2004). Personality and self-determination of exercise behavior. *Personality and Individual Differences, 36*, 1921-1932.
- Kafka, G. J., & Kozma, A. (2002). The construct validity of Ruffs scales of psychological well-being (spwb) and their relationship to measures of subjective well-being. *Social Indicators Research, 57*, 171-190.
- Kurtz, J. E., & Parrish, C. L. (2001). Semantic response consistency and protocol validity in structured personality assessment. *Journal of Personality Assessment, 76*, 315-332.
- Libran, E. (2006). Personality dimensions and subjective well being. *The Spanish Journal of Psychology, 19* (1), 38-44.
- Maruyama, G. M. (1998). Basics of structural equation modeling. Sage Publication. California.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development and well-being. *American Psychologist, 55*, 68-78.
- Ryff, D., & Singer, B. (1998). The Contours of Positive Human Health. *Psychological Inquiry, 9*, 1-28.
- Sheldon, K., & Bettencourt, B. (2002). Psychological need-satisfaction and subjective well-being within social groups. *British Journal of Social Psychology, 41*, 25-38.
- Spangler, W., & Palerta, R. (2004). The Relative contribution of extraversion, neuroticism and personal striving to happiness. *Personality and Individual Differences, 37*, 1193-1203.
- Swickert, R., Hittner, B., Kitos, N., & Cox-Fuenzalida, L. (2004). Direct or indirect, that is the question; a re-evaluation of extraversion's influence on self-esteem. *Personality and Individual Differences, 36*, 207-217.
- Van Den Berg, P., & Pitariu, H. (2005). *The relationships between personality and well being during societal change personality and individual differences, 39*, 229-234.
- Wissing, P. (2000). Wellness: Construct Clarification and a Framework for Future Research and Practice. Keynot Address at the First South Africa
- Barrick, M., & Mount, M. (1993). Autonomy as a Moderator of the Relationships Between the Big Five Personality Dimensions and Job Performance. *Journal of Applied Psychology, 78*, 111-118.
- Ching Chu, H. (2006). Autonomy and Well-being: Self-determination in Chinese Students in the United States. Psy. D. Dissertation, University of Hartford.

- Batia, A. (2007). Relationship Among Personality, Self determination and Exercise Behavior. PH.D. Dissertation, University of Florida.
- Jenkins, D. (2007). Examining the Relationships between the Satisfaction of Basic Psychological Need, Employee Well-being, & Commitment. Master of Arts Thesis, University of Carleton.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2002). An overview of self-determination theory: An organismic dialectical perspective. Handbook of self-determination research (3-33). Rochester, NY: University of Rochester.